



۲۰۱۸/۰۴/۲۶

ملالی موسی نظام

## ملت افغانستان در گرو جنایتکاران ۷ و ۸ ثور آیا محاکمه جنایتکاران هفت و هشت ثور به قیامت حواله میگردد؟!



سال گذشته در چنین روز هایی باز هم یکی از جنایتکاران آلمان نازی که به سن بالای کهولت بیشتر از نود سال رسیده بود و گفته شد که وظیفه محاسب آن رژیم مخوف را بر عهده داشت، بعد از سپری شدن ۷۰ سال از سقوط آن تشکیل دوزخی، دستگیر و به محکمه ای در آلمان سپرده شد و بزودی اعلام گردید که در پهلوی وظیفه ای که داشته، به چندین فقره جنایی ای غیر بشری متهم میباشد.

افغانستان یگانه مملکتی نیست که در آن جنایت کاران جنگی و مجرمین بد سابقه آزادانه و با اطمینان خاطر گشت گزار مینمایند، ولی تنها سرزمینی هست که «تعداد کثیری» از جانپان شناخته شده که کار نامه ها و اعمال شان نه تنها بیاد و خاطر ملیون ها سکنه دردمند وطن است، بلکه همه با تفصیل و استناد ثبت صفحات تاریخ جهان هم گردیده است. کافیسیت که از هزاران راپور، کتاب و رساله که بگذریم فقط دو اثری را که متصل منتشر گردیده و با وسایط ارتباط جمعی رو به انکشاف امروزی، هر دو در لابلای صفحات انترنت هم موجود هستند، مطالعه و ارزیابی نماییم و وظیفه ما به دسترس دیگر هموطنان و نسل امروز هم قرار دهیم. اثر اولی «راپور عدالت یا دادخواهی افغانستان» است که توسط کمیته غیر انتفاعی حقوق بشر در هالند بعد از مصاحبات با ۶۰۰۰ هموطن شاهد و ناظر جنگ های افغانستان «۱» به پهنای سرزمین ویران ما با موجودیت حقوق دانان خارجی و داخلی و ترجمانان هر لسان مردم افغانستان، تهیه گردیده و توسط خانم «سیما سمر» رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر به «حامد کرزی» رئیس جمهور وقت به منظور تأمین «عدالت انتقالی اجتماعی» پیشکش گردید.

اثر معتبر دومی همانا راپور نهایت مستند از با حیثیت ترین تشکیل حقوقی جهان یعنی «کمیته نظارت بر حقوق بشر» ملل متحد تهیه و تنظیم گردیده است. این راپور که تحت عنوان «دست های آغشته بخون» از جانب مؤسسه فوق «۲» منتشر شده است، همچنان در وب سایت آن به آسانی قابل دسترسی است و دقیقاً توسط خبرنگاران خود مؤسسه که در جریان جنگ های کابل حضور داشتند، در حدود یکسال اول عصر خونین تنظیم های منکر انسانیت، اسلامیت و افغانیت را با تمام تفصیلات و رویداد های مهلک و غیر قابل باور و بیسابقه به تصویر می کشد. دردا که دقیقاً بیشترین کشتار مردم بی دفاع شهر کابل منجمله

«قتل عام افشار» که ثبت تاریخ جنایات بشری در عالم است، در همین زمان کوتاه صورت گرفته است. آنانیکه معتقد به فراموشی گذشته تاریخ وطن و مردم آن هستند، معتقد به پامال عدالت و بازخواست از جنایتکاران این سرزمین هم می باشند.

در حالیکه ۱۵ سال از آغاز دیموکراسی وارداتی و باز شدن دروازه های افغانستان از بنیاد ویران، سپری میگردد، درد ملت تنها این نیست که چرا مجرمین جنگی و جنایت کاران ۷ و ۸ ثور به عدالت سپرده نمیشوند و محاکم قانونی برای ثبوت اتهامات آنان دایر نمی گردد، بلکه درد استخوان سوز مردم افغانستان که التیامی برای آن متصور نیست، حضور و موجودیت بیشمار این مجرمین و جنایت کاران جنگ های خانمانسوز و خونین کشور در کرسی های بالای دولتی است که در مجموع همه آنان با هر نوع استفاده های سوء، در رگ و پی اکثریت مقامات دولت و البته هر سه قوه آن اخذ موقع نموده اند.

«حامد کرزی» که تمدید قدرت و استفاده از آن گویا هدف اصلی و اساسی وی در زمان طولانی حکمروایی بی خاصیت و غیر ملی وی بوده است، طور نمونه پشتیبانی از جنایتکاران و دقیقاً قاتلان مردم افغانستان خط مشی اساسی وی را تشکیل میداد. عزت و اقتدار نامحدود «قسیم فهیم» با سابقه سیاه عصر تنظیم ها و فعالیت غیر بشری وی در دستگاه مخوف «خاد» از جانب «حامد کرزی» و مجاز کار روایی های وی را تاریخ هرگز از یاد نمی برد..... در پهلوی بیشمار عزیز از دست داده هموطن، ملیون ها بیوه و یتیم جنگ های خانمانسوز افغانستان، منجمله بازماندگان ۵۰۰۰ قربانیان بی گور و بی کفن عصر خلق و پرچم و مظلومان «قتل عام افشار» با موجودیت عمال مقتدر و شناخته شده آن جریانات خون و آتش در کشور، همه جزئی از ملت هر دم شهید و دردمند و ستم دیده افغانستان هستند که منتظر «آغازی» برای بازخواست و «عدالت» و ایجاد محاکم برای جنایتکاران شناخته شده جنگ های خونین مملکت شان بوده اند. هر سال در چنین روز های سیاه ملت افغان، مظاهراتی در شهر های افغانستان صورت میگیرد تا اولیای امور مسئول را متوجه گذر زمان و تأخیر در اجرای عدالت و پی گیری از جنایت کاران جنگی نمایند که تنها شهدای جنگ های قدرت طلبی کابل از ۶۵ هزار تجاوز مینماید. مگر سال دیگری بدنبال قبلی سپری میشود و هیچ بازخواستی و محکمه ای دایر نمی گردد.

در جهان تعداد زیادی مجرمین جنگی و آنانیکه مانند جنایتکاران جنگ های افغانستان، مرتکب جنایات استخوان سوز بر علیه بشریت گردیده اند و در ممالک خودشان «به دلایلی» امکانات محکمه و بازخواست شان میسر نمی باشد، محکمه بین المللی «لاسه» در کشور هالند بیطرفانه و با جمع آوری اسناد و مدارک و احیاناً شهود، چنین عملیه عدالت بشری را انجام میدهد. این دستگاه عدلی جهانی که بسیار بیطرف بوده و لست های زیادی از مجرمین جنگ های افغانستان را در اختیار دارد، یقین به اجازه آن دولت درین راه مفید واقع میگردد، ولی هیئات که مردم منتظر و داغ دیده وطن چنین خوابی را تعبیر نمایند.

در سالهای اخیر محکمه جهانی دیگری به فعالیت آغاز نموده است که عبارت از (I.C.C) یا محکمه بین المللی جنایات بر علیه بشریت است که با مأمورین و حقوقدانان خیره و یک آرشیف معتبر در حقیقت جنایتکارانی که تحت شرایط خاصی شناسایی گردیده و جرم شان ثابت است، میتواند توسط این تشکیل حقوقی بازخواست قانونی گردند. در افغانستان که لست طویل و عریضی مطابق شرائط بازخواست و جلب محکمه این مؤسسه موجود است، از سال گذشته حتی پیشنهاد گردیده است که خود اعضای مجرب آن میتواند زمینه انتخاب جنایتکارانی که سوابق شان در جدول ثبت گردیده است، مورد پیگیری و توقیف قرار گیرند. ولی دردا که حکومت پریشان حال افغانستان هنوز هم با نمیدانم کاری و زور و قوت آن جنایتکاران شناخته شده در دستگاه های سه گانه دولت، از ارائه کمک و سهولت به اداره محکمه بین المللی جنایات بر علیه بشریت ابا می ورزد.

از کودتای منحوس ثور دقیقاً ۴۰ سال و از هجوم تنظیم های تشنه قدرت تنظیمی و قاتلان شهر کابل ۲۶ سال میگذرد و البته از برگشت افغانستان به جامعه بین المللی و سقوط طالبان عصر حجر ۱۶ سال، آیا صبر و حوصله یک ملت رنجور جنگ دیده و عزیزان از دست داده را تا چه زمانی باید مورد آزمایش و غفلت قرار داد؟ به تصویر گویا و عریان ضمیمه نگاهی بیندازید، قصر باشکوه دارالامان را که بدون تردید مظهر مدنیت و شگوفایی یک عصر ملی و مترقی بوده است، در عقب مظاهره چپانی که در جستجوی عدالت خواهی و بازخواست از جنایتکاران جنگ های خانمانسوز افغانستان هستند، مشاهده میفرمایید.

آیا گاهی با در نظر داشت موقعیت جغرافیایی شهر کابل و موقف دو جانب شناخته شده مقتدرین جنگ های تنظیمی مهلک، یعنی «گلبدین حکمتیار» و رقیب وی در استعمال راکت و وسایل جنگی آتشبار «احمد شاه مسعود»، به این نتیجه رسیده اید که راکت و هاوانی که این بنای تاریخی را که حتی نزدیک به یک قرن قبل با چنین معماری شکوهمند و بینظیر، بالای تپه ای اخذ موقع نموده بود، کدام طرف متخاصم به چنین حالت رقتبار و مفلوکی در آورده است؟ یقین فراموش نمی نمایم که اگر عمارتی نهایت پخته کاری و مستحکم را استعمال متواتر و بی شمار

راکت و وسائل مخرب و آتشبار به چنین حالت آسف باری در آورده است، مردمی که در پایتخت افغانستان لاجرم و جبراً زندگی پر از دهشت، وحشت و مرگباری را سپری مینمودند، چه روزگاران خون و آتش را با تلفات بیدریغ عزیزان تا مغز استخوان احساس نموده اند.

بلی، باید تصریح نمود که مصائب خانمانسوز و فجایع بشری دوره خونین خائنین و وطن فروشان «خلق و پرچم» که منجر به شهادت یک و نیم ملیون مردم بیدفاع افغانستان، آوارگی متداوم ملیون ها بیوطن مظلوم تا امروز گردید و با انهدام هزاران قریه و ده، کشور زیبایی یک ملت مظلوم را به ویرانه رقتبار مبدل ساخت، در حقیقت بعد از کودتای بی موجب ۲۶ سرطان ذریعه پسر عم اعلیحضرت محمد ظاهرشاه برای سقوط رژیم شاهی مقدمه چینی گردید. درین کودتا که «عملاً» به یاری و همکاری گروه مکار و خیانت پیشه «پرچم» وابسته به اتحاد شوروی صورت گرفت، دقیقاً پلان و قدم های بعدی حزب مذکور، آمادگی های لازمی بود که یک دوره گزرا عملاً لازم دارد، مانند نصب «حبیب الله بچه سقاء» منحیث دسیسه انگلیس بعد از سقوط دوره درخشان امانی و زمینه سازی همکاری «مرحوم محمد داود» با پرچمیان، بعد از عصر ظاهر شاهی.

اگر تصور این بوده باشد که روسیه شوروی وقت، بعد از شش دهه تجارب و حاکمیت در قسمت بزرگی از جهان و اشغال ممالک مختلفه و تشکیل اعمار وابسته به آن، جای پای سهمگینی را که ذریعه جیره خوران «پرچمی و خلقی» سر سپرده خود با بیشتر از ۲۰ سال خدمت و وابستگی به اوامر آن ابر قدرت، در افغانستان گذاشت، بعد تر به هر دلیلی بر میدارد، خیال است و محال است و جنون. نخیر! از روز اول کودتای ۲۶ سرطان، نصفی از سایه شوم همسایه شمالی بر خاک پاک افغانستان آزاد و غیر منسلک، تاریکی افگند و اقدام کاملاً پلان شده بعدی که همانا کودتای منحوس ۷ ثور باشد، بر بادی سرزمین مقدس ما و مردم مظلوم آنرا با عواقب وخیم و ملت سوز آن، تا امروز سبب گردید.

نتیجتاً ملت نهایت بیدفاع و بسیار مظلومی بنام «افغان» با تحمل درد های خانمانسوز، از دست دادن عزیزان، آوارگی و مظالم ناشی از آن، بالاخره بعد از سقوط طالبان، با امیدواری برای یک اعمار مجدد، عودت به وطن، صلح و تشکیل یک ته بنای محکم اقتصادی و فراهم گشتن کار و عاید ملی و بالاخره یک فضای صلح و سلم، حاضر به هر نوع فداکاری و تلاش بودند، ولی با حضور و نصب جنایتکاران جنگی معلوم الحال بر قدرت، چور و چپاول داری های عامه و فساد وسیع اداری نه تنها اعتماد و اطمینانی برای آینده و صلح ندارند، بلکه با تشکیل دولت جدید و هزاران امید و آرزو، رویای تأمین عدالت و بازخواست مجرمین جنگ های مملکت شان، هم با پامال خون ملیون ها عزیز از دست داده، تا به حال گویا نقش بر آب گردیده است.

## نوت:

۱- راپور پروژه عدالت افغانستان که در آن حوادث جانخراش جنگ ها با چگونگی و عمال مربوطه آن جریانات خونین از آغاز کودتای منحوس ثور تا شکست طالبان، دقیقاً افشاء گردیده است و در ویب سایت آن به السنه پشتو، دری و انگلیسی موجود است.

[www.Afghanistanjusticeproject.org](http://www.Afghanistanjusticeproject.org)

۲- راپور نهایت مستند کمیته «نظارت بر حقوق بشر» که در وبسایت آن تحت عنوان «دستان آغشته بخون» قابل دریافت است و حوادث نهایت رقتبار جنگ ها، راکت پرانی ها و جنایات عریان تنظیم های جهادی را با نحوه حملات و اسلحه مخرب شان تشریح مینماید.

[www.Humanrightswatch.org](http://www.Humanrightswatch.org)  
[Blood Stained Hands](#)

پایان